

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سازمان سوسیالیست‌های کارگری افغانستان
۰۱ می ۲۰۲۴

اعلامیه سازمان سوسیالیست‌های کارگری افغانستان

به پیشواز اول می، روز جهانی همبستگی کارگران

اول ماه می، روز تجدید پیمان همه کارگران برای تداوم مبارزه جهت سرنگونی کل نظام سرمایه‌داری است؛ امسال در مقطعی به استقبال اول ماه می می‌رویم که تقابل سرمایه‌های بزرگ در سطح جهانی بار دیگر عمق ظرفیت ویرانگر و ضدانسانی نظام سرمایه‌داری در راه‌اندازی جنگ‌های ممتد و فاجعه‌کشتار و بی‌خانمانی انسان‌ها را به نمایش گذاشته است. در این رویارویی بخشی از سرمایه، همانند گذشته، در تلاش استمرار نظام تک قطبی و بخش دیگر هم برای سر بر آوردن قطب‌ها و بلوک‌های جدید، در تکاپو است؛ این صف آرائی‌ها که فقط برای تأمین سود هرچه بیشتر و کسب و تداوم هژمونی جناح‌های نظام بردگی مزدی به راه افتاده است، بشریت را در مقیاس میلیونی در سراسر جهان به خاک و خون و تباهی کشانیده است.

در تقابل دو قطب و بلوک سرمایه‌داری جهانی- "جنوب‌جهانی" و غرب به سرکردگی امریکا - بشریت شاهد کشتار مردم بی‌دفاع و ویرانی جوامع شان هستند؛ جنگ و ویرانی در اوکراین و در تداوم آن قتل عام و نسل‌کشی مردم فلسطین توسط دولت فاشیستی اسرائیل، به کمک مالی-تسلیماتی و حمایت سیاسی دولت‌های غربی، در رأس امریکا و شرکاء، تلاش برای حفظ اقتدار بلامنازع امپریالیسم امریکا و جهان تک قطبی به بهای نابودی بشریت است. تقابل دو قطب نظام سرمایه‌داری جهانی در اشکال و ظرفیت‌های دیگر، در سایر بخش‌های جهان از جمله در یمن، سودان، میانمار و غیره نیز از بشریت قربانی گرفته و می‌گیرد. این کشتارهای وحشیانه و ویرانگری محدود به استفاده از سلاح‌های مهیب کشتار جمعی اهداء شده از جانب کشورهای اروپایی، امریکا و متحدان دیگرشان نیست؛ بلکه کودکان، زنان و سالمندان زیادی، مخصوصاً در فلسطین - به ویژه در نوار غزه- به دلیل نابودی هست و بودشان و اعمال عامدانه قحطی در شکل ممانعت از ورود مواد غذایی، آب آشامیدنی، دارو، مواد سوخت مورد نیاز و قطع برق توسط دولت و ارتش فاشیستی اسرائیل از گرسنگی، تشنگی، عدم دسترسی به درمان و ابتلاء به امراض گوناگون می‌میرند و یا هم هر روز در معرض مرگ حتمی قرار دارند. امراضی که منبع و منشأ آن، در کنار مواد سمی از قبیل فاسفورسفيد، آلودگی و اجساد پوسیده بازمانده از قربانیان جنگ بر روی زمین و زیر آوار است. مرگ هزاران انسان فلسطینی بی‌گناه و بی‌دفاع، که در نظام ارزشی و نژادپرستانه دول غربی فاقد منزلت و کرامت برابر انسانی شمرده می‌شوند، وجدان خفته

سردمداران حامی دولت فاشیستی اسرائیل را نمی‌آزارد؛ بل صرفاً از تبعات جانبی جنگ شمرده شده و در نهایت به‌عنوان ارقام در احصائیه‌ها بایگانی می‌گردند.

جنگ و ملیتاریسم، در کنار استثمار مضاعف طبقه کارگر، ابزاری است برای سوداندوزی سرمایه، تداوم مناسبات کارمزدی و تضمین هژمونی و قدر قدرتی جهانی آن. از این رو دولت امریکا و متحدان آن در اتحادیه اروپا، با اتکاء به بازوی نظامی، از جمله ناتو، پیوسته تلاش می‌ورزند تا تفوق قدرت یکه‌تاز خود در عرصه بین‌المللی را با برافروختن آتش جنگ و تولید سلاح‌های کشتار جمعی و برتری تکنولوژیک صنایع جنگی خود حفظ نمایند؛ به همین دلیل کشورهای امپریالیستی- از جمله امریکا - با وجود اعتراضات میلیونی و هر روزه طبقه کارگر و مردم برابری‌طلب و آزادی‌خواه جهان برای صلح، علیه ملیتاریسم، بمباران، جنگ، توحش لجام‌گسیخته و علیه نسل‌کشی مردم فلسطین توسط دولت و ارتش جنایت‌کار اسرائیل و توقف فوری آن، در برابر هر تلاشی برای پایان یافتن غایله جنگ و کشتار، از ابزار فشار و اهرم وتو در "شورای امنیت سازمان ملل متحد" در حمایت تمام‌قد از دولت اسرائیل سود می‌برد.

وضعیت هولناک حاکم هم در کشورهای سرمایه‌داری متروپل و هم در کشورهای پیرامونی سبب سعود سرسام‌آور هزینه‌های زندگی، گسترش فقر، بی‌کاری، بی‌حقوقی و ناامنی و تعرض به ابتدائی‌ترین دست‌آوردهای طبقه کارگر، و آزادی‌های مدنی از جمله در کشورهای غربی شده است.

بخش اعظم انسان‌هایی که در جبهه‌های جنگ دولت‌های بورژوائی، به‌عنوان سرباز، گسیل می‌گردند، فرزندان کارگران، فرودستان و محرومان جامعه‌اند، که هیچ نفعی در آن جنگ‌ها و کشتارها ندارند؛ بورژوازی و دولت‌های سرمایه‌داری با الصاق هویت‌های کاذب ناسیونالیستی و مذهبی و دشمن‌تراشی بر این مینا در پی تأمین منافع و سود خویش است و با انتساب انسان‌ها به مذهب، قوم، زبان و ملت آن‌ها را در برابر هم قرار می‌دهند. این را بشریت در جنگ جاری در اوکراین، غزه، افغانستان، عراق و جاهای دیگر جهان به وضوح مشاهده می‌کند.

لذا مبارزه بی‌امان در برابر همه پدیده‌هایی که در خدمت استیلائی ذهنی سرمایه‌داری بر انسان‌ها عمل می‌کند؛ از جمله ناسیونالیسم که چهره زشت و انسان‌ستیز آن از پس نقاب دموکراسی بورژوائی در بحران پناهندگان اوکراین، در برخورد کشورهای پناهنده‌پذیر در تفکیک پناهجویان بر مبنای رنگ و نژاد و بدتر از آن در واکنش سریع به مرگ هفت تن امدادرسان شهروند کشورهای غربی که در اثر بمباردمان ارتش اسرائیل جان باختند و بی‌تفاوتی همین کشورها و رسانه‌های جریان اصلی در برابر کشتار بیش از سی و پنج هزار زن، مرد و کودک فلسطینی تا این زمان، تمام رُخ عیان گردید، امر فوری فعالان کارگری و جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر است.

تقابل نظامی ویران‌گر که تصادم منافع ستراتیژیک و اقتصادی کشورهای سرمایه‌داری عامل اصلی آن می‌باشد، همچنان سبب حذف توجه جهانیان نسبت به اعمال جنایتکارانه حاکمان در کشورهای چون افغانستان و ایران گردیده است که با توجیه دفاع از حاکمیت "ملی" بهانه‌ای برای سرکوب شدیدتر و تجاوز علنی‌تر بر پایه‌ی‌ترین حقوق انسان‌های ساکن در آن دو جغرافیای سیاسی، به دست آورده‌اند.

امارت اسلامی سرمایه در افغانستان در ضمن تحمیل فقر، استبداد عریان و بی‌حقوقی مطلق بر اکثریت مردم فرودست و محروم، پرداخت حقوق بازنشستگی کارگران و کارمندان را، در حالی که حق کار کردن را از نصف جامعه (زنان) سلب نموده است، به دلیل تضاد آن با شریعت اسلامی غیرقانونی اعلان و پرداخت آن را متوقف نموده است. آری! در دین و شریعت اسلام سیاسی هر آنچه با رفاه و سعادت انسان‌ها ربط دارد و به ضرر سرمایه‌داریست، حرام است! ولی پرداخت میلیون‌ها افغانی به تروریست‌ها به عنوان "عیدانه" عمل کاملاً اسلامی و شرعی است.

حذف زنان از اجتماع، بستن مکاتب، آموزشگاه‌ها، و دانشگاه‌ها بروی دختران و منع و حذف دانش علمی از نصاب تعلیمی و تحصیلی در این سه سال و گشودن هزاران مدرسه دینی که در آن قوانین مربوط به برده‌داری و به بردگی کشیدن زنان به نسل جوان آموزش داده می‌شود، از دست‌آوردهای امارت اسلامی سرمایه و ره‌آورد بورژوازی جهانی و دول امپریالیستی برای شهروندان افغانستان است.

بدون تردید بخش بسیار بزرگی از مردم، به ویژه زنان افغانستان، در مخالفت بسیار شدیدی با امارت اسلامی و دخالت آن در همه امور زندگی‌شان، که مانند دوران آغازین اسلام منافع و سلیقه‌های فردی رهبران و ارباب عمایم را منعکس می‌سازد، قرار دارند. اما از آن جا که انسان موجود انتزاعی نیست که خارج از شرایط زیستش لمیده باشد، در عدم موجودیت یک نیروی متشکل پیشرو، افیون دین با دست یاری ناسیونالیسم تباری و ابزارهای مهندسی افکار، آگاهی انسان‌ها را از محیط پیرامونش بازگون و وارونه نموده و از محتوا و درون‌مایه اعتراضی و نقاد ثهی می‌سازد؛ و آن را به آسمان‌ها حواله می‌دهد. به همین سبب تفاوت و تقارن "مقاومت‌گران" با طالبان را نه در ماهیت جهان بینی و منافع طبقاتی یکسان‌شان، بلکه در شیوه رهبری و ادعا می‌جویند. این نگاه و راهکار سبب می‌شود که نیروهای اعتراضی از این دست، در اجتماع به عوض حرکت به جلو در گرداب توهم و توسل به اعجاز صبر، به دور خویش می‌چرخند. این معضل شامل حرکت اعتراضی زنان که به دلیل تحمیل ستم‌های چندگانه و چندلایه از جانب امارت اسلامی طالبان و نقش تبهکارانه‌ای که بورژوازی جهانی و نهادهای بین‌المللی، در پی‌ریزی این سرنوشت دهشتناک بازی کردند، نیز می‌گردد. فعالان این جنبش می‌باید بیش‌تر از همیشه آگاه و رادیکال به نقد بنیادی این بی‌حقوقی مطلق که منشأ و مشروعیتش را از دستگاه دین و حاکمیت مناسبات کارمزدی می‌گیرد، بپردازند، تا اکرام دستگاه دین و دامن زدن به توهم نسبت نظام سرمایه‌داری و نهادهای آن.

سازمان سوسیالیست‌های کارگری افغانستان، آن‌گونه که در گذشته به صورت مستمر و با صراحت اعلام کرده است، به این باور است که مناسبات سرمایه‌داری و مذاهب، از جمله اسلام، به عنوان ارکان مشروعیت دهنده نابرابری، حافظ مالکیت خصوصی و بردگی مزدی اند. از این منظر مبارزه برای براندازی امارت اسلامی سرمایه بدون در افتادن با مبانی اعتقادی آن در همه ابعاد، ممکن نیست. ایجاد زمینه عینی و ذهنی برای تبدیل شدن به یک نیروی وسیع اجتماعی که این مهم را تأمین نماید، با تلاش و سازمان‌یابی فرودستان و محرومان، اعم از زن و مرد، می‌تواند میسر گردد. تلاش برای سازمان‌یابی و ایجاد حزبی که ظرفیت متشکل کردن همه معترضان به وضع موجود را- کارگران و فرودستانی که برای ادامه حیات، امکان دیگری جز فروش نیروی کارشان ندارند- یگانه راه و گزینه ممکن برای ایجاد تغییر می‌باشد. در این راستا ما صمیمانه و رقیقانه دستان همه فعالان کارگری و سوسیالیست را که تغییر وضعیت موجود را در گرو تغییر مناسبات حاکم اجتماعی می‌دانند، فشرده و از آن‌ها برای تشریک مساعی برای ایجاد جامعه‌ای فارغ از استثمار، ستم جنسی، ستم بر مبنای تعلقات قومی-تباری و در یک کلمه ستم طبقاتی، دعوت می‌نمائیم.

فرخنده باد اول می روز جهانی همبستگی طبقه کارگر!

زنده باد سوسیالیسم!

نان، کار، آزادی!

سازمان سوسیالیست‌های کارگری افغانستان

۵ ثور ۱۴۰۳؛ ۲۴ اپریل ۲۰۲۴